

متن پرسش

سلام علیکم: استاد عزیز چند مدتی است عجیب با خودم کلنجار می‌روم. در حین کار فرهنگی و انجام بعضی فعالیتها و گفتگو با برخی دوستان، می‌شنوم که رسماً به من به چشم یک متحجر نگاه می‌کنند. گویی یک شخص رادیکال با قرائات بسته فقهی را دیده‌اند. نمی‌دانم چرا وقتی هم با آنها گفتگو می‌کنم پاسخ‌هایی هر چند گاهی تند و تلخ برای علت رادیکال دانستن من می‌دهند و گاهی با کلی گویی حرف خود را می‌زنند و می‌روند و همان برداشت را از من دارند. نمی‌دانم! در طول این مدت زندگی واقعاً تلاش من این بوده که نظام فکری ام مبتنی بر تعصبات و تقلیدها و سلسله عادات نباشد و با مطالعه کتب مختلف و شنیدن نظرات متعدد، سعه خودم را بالا ببرم و بتونم با نظام فکری منطقی و استدلالی جلو برم ولی چرا در حین کار فرهنگی، برخی دوستان من رو رادیکال و با دیدگاهی بسته ایدئولوژیک و متحجر و یا حتی تا مقام اخباری مسلکی می‌بینند. قطعاً کار من هم ایراد دارد و اشکال دارد و بلاشک من هم در تبیین بسیاری مسائل کبود داشته‌ام اما نمی‌دانم چرا رادیکال و اخباری باید از سوی برخی خطاب قرار بگیرم. امیدوارم حتی اگر مرا اخباری مسلک و رادیکال هم می‌دانند حساب من را با جبهه انقلاب جدا کنند و خصوصیت مرا به زعم خویش بیای انقلاب بنویسند و این بزرگترین ترس من است. نمی‌دانم شاید هم تلنگری به من است که باید به قول جناب نظامی: آینه‌ار نقش تو بنمود راست / خود شکن آینه شکستن خطاست. بیخشید که مزاحم اوقات شریف شدم ولی خوشحالم شخصیتی مثل شما و بیانات تان برای من روح بخش است. التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ما در مأوای انقلاب اسلامی با همه‌ی انسان‌ها به حکم انسانیت‌شان باید رابطه داشته باشیم، ولی اگر بعضی‌ها انتظار دارند که ما از اصل انقلاب توحیدی‌مان دست برداریم تا متحجر نباشیم؛ محال است. در همین راستا کتاب «عقل و ادب ادامه‌ی انقلاب اسلامی در این تاریخ» نوشته شد. موفق باشید